

بخش ۱

مقدمات



فصل ۱

اقتصاد چیست؟

چرا علم اقتصاد را می‌آموزیم؟

انسان در زندگی خویش، نیازهایی دارد که برای ادامهٔ حیات ناگزیر است آن‌ها را برآورده کند. منبع رفع این نیازها، امکاناتی است که خداوند در اختیار انسان گذاشته است. در این تصویر بسیار ساده از زندگی انسان، با دو مفهوم، یعنی «نیازهای انسان» و «منابع و امکانات» روبه‌رو می‌شویم. در ادامه، هر یک از این دو مفهوم را توضیح می‌دهیم.

نیازهای انسان

نیازهای انسان محرک او برای فعالیت و تلاش است؛ به عبارت دیگر، انسان به دنبال احساس نیاز تصمیم می‌گیرد که آن نیاز را رفع سازد و بعد از رفع نیاز، احساس رضایت می‌کند.

گاهی ممکن است چنین تصور شود که با گذشت زمان، تمام نیازهای انسان برطرف می‌شود و او دیگر محرّکی برای فعالیت نخواهد داشت، اما چنین نیست؛ در واقع، با برآورده شدن هر نیاز، نیاز جدیدی مطرح می‌شود و بدین ترتیب، همراه با ظهور نیازهای جدید، انسان به فعالیت بیش‌تری برای ارتقای سطح زندگی خویش می‌پردازد؛ مثلاً، برای گروهی از انسان‌ها که از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم‌اند، اساسی‌ترین نیاز این

است که سرپناهی داشته باشند تا در آن از گزند سرما، گرما و درندگان مصون بمانند و نیز غذای مختصری داشته باشند که با آن رفع گرسنگی کنند، اما وقتی این نیازها تا حدّ مقبول برطرف می‌شود، همین افراد احساس می‌کنند که به امکانات رفاهی بیش‌تری نیاز دارند؛ مثلاً ممکن است به فکر مسکنی بزرگ‌تر و مجهزتر از سرپناه اولیه بیفتند یا نیازهای جدید دیگری برایشان مطرح شود.

بدین سبب، می‌توان گفت که انسان موجودی سیری‌ناپذیر است؛ زیرا با برآورده شدن پاره‌ای از نیازهایش، احساس بی‌نیازی به او دست نمی‌دهد بلکه نیازهای تازه‌ای در او شکل می‌گیرد و او با عطش بیش‌تری درصدد رفع این نیازها برمی‌آید.

و... امنیت . بهداشت و درمان . آموزش . حمل و نقل . مسکن . پوشاک . خوراک

نیازهای مختلف انسان



از نیازهای یک خانواده روستایی و یک خانواده شهری فهرستی تهیه کنید.

منابع و امکانات

درباره منابع و امکانات موجود در جهان که انسان برای رفع نیازهای خود از آن‌ها استفاده می‌کند، به دو نکته مهم می‌توان اشاره کرد :

نکته اول این که منابع و امکانات موجود در دسترس انسان، محدود است. البته در نظر اول، پذیرش این نکته قدری مشکل است اما با اندکی دقت، صحت آن را درمی‌یابیم. مقدار زمین‌های کشاورزی، ذخایر معدنی، سرمایه و نیروی کاری که در اختیار یک جامعه قرار دارد – هر قدر هم که زیاد باشد –، محدود است. حتی ممکن است زمین‌های کشاورزی نسبتاً زیادی در اختیار جامعه باشد ولی زمین‌های مرغوبی که بازدهی بالایی دارند، کم است. هم‌چنین، زمین‌هایی که نزدیک به محل زندگی و تجمع انسان‌ها قرار

دارند و به همین دلیل، بهره‌برداری از آن‌ها هزینه حمل و نقل چندانی ندارد، محدودند. به علاوه، ذخایر معدنی با وجود فراوان بودن در کره زمین، به دلیل ناشناخته بودن بسیاری از این ذخایر و نیز محدود بودن دانش فنی بشر، باز نامحدود نیستند.



قطعه‌ای زمین که قسمتی از آن قابل کشت و قسمت‌های دیگر آن غیر قابل کشت است.

دومین نکته این است که منابع و امکانات مذکور قابلیت‌های مصرف متعددی دارند؛ بدین معنا که از آن‌ها می‌توان برای رفع نیازهای مختلف و متنوع استفاده کرد؛ مثلاً؛ زمین‌های کشاورزی را هم می‌توان برای تولید پوشاک به زیر کشت پنبه برد و هم برای تهیه غذا، در آن گندم کاشت. الوار تهیه شده از درختان جنگلی را می‌توان برای تولید میز و صندلی به کار برد و هم به صورت هیزم از آن برای ایجاد گرما استفاده کرد. بخشی از نیروی کار موجود در یک جامعه، هم می‌تواند در فعالیت‌های تولیدی شرکت کند و هم به شکل نیروی نظامی در خدمت تأمین امنیت کشور باشد؛ بنابراین، بیش‌تر منابعی که در دسترس انسان قرار دارد، منحصرأً برای رفع یک نیاز معین (تولید کالا برای رفع آن نیاز) به کار نمی‌رود بلکه برای برآوردن نیازهای دیگر نیز از آن‌ها استفاده می‌شود.

فعالیت ۱-۲

پول ماهیانه یکی از امکاناتی است که والدین در اختیار شما قرار می‌دهند. ضمن

برشمردن مصارف متعدد آن، تحقیق کنید که بهترین راه مصرف این پول چیست؟

طرح مسئله اقتصادی

از مطالب گفته شده می توان این گونه نتیجه گیری کرد :

۱- نیازهای انسان نامحدود است.

۲- منابع و امکانات موجود محدود است.

۳- از این منابع و امکانات محدود می توان برای رفع نیازهای گوناگون استفاده کرد.

منابع و امکانات محدود، قادر به رفع نیازهای نامحدود انسان نیستند؛ بدین ترتیب، انسان با یکی از مهم ترین مسائل زندگی و موضوع علم اقتصاد، یعنی مسئله انتخاب مواجه می شود. در واقع، او نمی تواند همه خواسته هایش را با استفاده از امکانات موجود برآورده کند؛ بنابراین، باید ابتدا آن گروه از نیازهای خود را که اولویت بیش تری دارند، برطرف سازد. از آن جا که منابع در دسترس انسان، کاربردهای گوناگون دارند، انسان باید در مورد نحوه استفاده از این منابع تصمیم بگیرد و هم چنین روش معینی را انتخاب کند؛ برای مثال، باید تصمیم بگیرد که زمین های کشاورزی محدودی را که در اختیار دارد به زیر کشت گندم ببرد یا این که آن ها را به ساختن مسکن اختصاص دهد. اگر بنابر انجام هر دو کار است، چه مقدار از زمین را به هر یک از این دو امر اختصاص دهد؟

پرسش هایی از این قبیل را می توان در یک پرسش اساسی خلاصه کرد :

« بهترین روش استفاده از منابع و امکانات کدام است ؟ »

به یقین، ملاک «بهترین بودن» این است که با استفاده از این منابع بتوان بیش ترین میزان تولید را به دست آورد و سطح بالاتری از رفاه را برای انسان فراهم کرد.

انسان در طول زمان با به کارگیری قوای فکری خود، همواره در صدد انجام «بهترین انتخاب» و یافتن «بهترین راه» بوده است. حاصل این تلاش فکری، پدید آمدن «اندیشه اقتصادی» است. با گسترش و پیشرفت تمدن بشری و به ویژه پیشرفت علم ریاضی، اندیشه اقتصادی بشر نیز تکامل بیش تری یافت و با عنوان «علم اقتصاد» در جایگاه یکی از مهم ترین معارف بشری و علوم دانشگاهی قرار گرفت.

علم اقتصاد درباره چه موضوعاتی بحث می کند؟

علم اقتصاد مانند هر علم دیگری، درباره موضوعات معینی با روش های خاصی بحث می کند؛ به عبارت دیگر، برای پاسخ گویی به پرسش های مشخصی طراحی شده است. برای شناختن موضوعاتی که علم اقتصاد به آن ها می پردازد، تصویر ساده ای از اقتصاد جامعه را مد نظر قرار می دهیم که در زیر آمده است :

افراد جامعه در قالب خانوارها برای رفع نیازهای خود، به کالاها و خدمات خاصی احتیاج دارند. آن ها برای تهیه کالاها و استفاده از خدمات مورد نیاز خود پول هم می پردازند. تولیدکنندگان با هدف کسب سود، کالاها و خدمات مورد نیاز مردم را تولید و عرضه می کنند. آن ها این کالاها و خدمات را در بازارها عرضه می کنند و به فروش می رسانند. وقتی به این تصویر ساده از اقتصاد توجه می کنیم، سؤالات بسیاری برایمان مطرح می شود؛ از جمله این سؤال ها می توان به موارد زیر اشاره کرد :

— چگونه مردم در مورد خریدن یا نخریدن یک کالا تصمیم می گیرند؟ چگونه مقدار کالایی را که باید بخرند، تعیین می کنند؟

— چگونه تولیدکنندگان درباره تولید یا میزان تولید یک کالا تصمیم می گیرند؟

— چرا مقدار بعضی از کالاها در بازار زیاد و بعضی دیگر کم است؟

— چرا قیمت بعضی کالاها افزایش می یابد اما قیمت بعضی ثابت می ماند یا حتی کاهش می یابد؟

— چرا بعضی مؤسسات تولیدی به سودهای سرشار دست می یابند اما بعضی دیگر ضرر می کنند و حتی ورشکسته می شوند؟

— چرا در بعضی جوامع، تولید زیاد و در بعضی کم است؟ چرا رشد اقتصادی بعضی کشورها با ثبات و بعضی بی ثبات است؟

— چرا قدرت خرید پول در برخی کشورها مدام کاهش می یابد؟ چرا پول برخی کشورها قوی تر از پول کشورهای دیگر است؟

این پرسش ها و بسیاری از پرسش های مشابه دیگر در محدوده مطالعات اقتصادی

قرار می گیرند. علم اقتصاد تلاش می کند تا برای هر یک از این پرسش ها، پاسخ مناسب و منطقی بیابد و ارائه کند.

فعالیت ۱-۳

با توجه به این که موضوع اصلی علم اقتصاد «مسئله انتخاب» است، فهرستی از گزینه های پیش روی خود را در عرصه زندگی فردی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی تهیه کنید و در مورد روش انتخاب خود در هر یک گفت و گو کنید.

فعالیت ۱-۲

س	د	ب	س	ا	ن	د	ا	ر	ت
ر	م	د	ا	ص	ت	ق	ا	ض	ا
م	ا	ل	ی	ا	ت	و	ل	ی	د
ا	ل	و	م	ب	و	د	ج	ه	ر
ی	ی	ا	ت	ا	ز	و	ا	ی	ا
ه	ا	ر	و	ن	ی	ن	ر	ج	م
گ	ت	ز	س	ک	ع	ر	ض	ه	د
ذ	پ	س	ا	ن	د	ا	ز	ن	ی
ا	س	م	ص	ر	ف	ک	ر	د	ش
ر	ت	د	ج	و	ا	ر	د	ا	ت
ی	و	ر	و	ن	ت	و	س	ع	ه

برخی موضوعات مورد بحث علم اقتصاد به طور در هم در جدول روبه رو آمده است. طبق نمونه آن ها را پیدا کنید و در جای مناسب بنویسید.

الف ————— ت ————— و —————
 ب ————— ق ————— ع —————
 پ ————— د ————— ت —————
 ت ————— م ————— مصرف ————— م —————
 س ————— ت ————— ب —————

بازیگران و فعالان در عرصه اقتصاد

در عرصه اقتصاد جامعه، از یک سو با خانوارها به عنوان مصرف کنندگان و از سوی دیگر، با بنگاه ها و مؤسسات اقتصادی به عنوان تولید کنندگان و عرضه کنندگان کالاها و

خدمات^۱ روبه‌رویم. آن‌ها کالاها و خدمات مورد نیاز مردم را تولید و در بازار عرضه می‌کنند. اگر در جامعه فقط این دو گروه حاضر و فعال باشند، نبود یک نهاد برای ایجاد نظم و انضباط و نظارت بر عملکرد اقتصاد احساس می‌شود. هم‌چنین تمایلی برای تولید برخی کالاها و خدمات (مثل دفاع نظامی) به‌طور معمول از سوی بنگاه‌های خصوصی وجود ندارد. این نهاد می‌تواند با نظارت بر عملکرد تولیدکنندگان، از یک سو آن‌ها را به رعایت بعضی ضوابط و قوانین ملزم بکند – مثلاً تولیدکنندگان را وادار کند که سطح کیفیت کالاها و اصول بهداشت را رعایت کنند – و از سوی دیگر، با در نظر گرفتن مصالح جامعه سیاست‌هایی را اعمال کند که تولید یک کالا رونق پیدا بکند یا بیکاری در یک بخش از کشور از بین برود. این نهاد، «دولت» نام دارد.

اگر در بررسی خود از سطح یک جامعه فراتر برویم و کل اقتصاد جهان را در نظر بگیریم، ملاحظه می‌کنیم که دولت‌ها هر یک با برقراری ضوابطی، سعی در مدیریت و هدایت اقتصاد داخلی خود دارند، در سطح جهان نیز به فعالیت و نظارت نهادهایی نیاز است که با کمک آن‌ها روابط اقتصادی بین کشورها بیش‌تر رونق می‌گیرد و حقوق همه طرف‌های درگیر در تجارت جهانی حفظ می‌شود. سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و ... این نقش نظارتی را در اقتصاد جهان بر عهده دارند. بدین ترتیب، چهار گروه بازیگر و فعال در عرصه اقتصاد جهان عبارت‌اند از: مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی.

آیا اقتصاد علم است؟

در هر یک از علوم بشری، دانشمندان با استفاده از ابزارهای خاص و انجام دادن آزمایش‌های مرتبط و مناسب، درباره موضوعات و مسائل خاصی مطالعه می‌کنند؛ مثلاً در علم شیمی، شیمیدان‌ها درباره مواد مختلف و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر مطالعه می‌کنند؛

۱- هر نوع سازمان، تشکیلات و شرکت یا واحد تجاری که به عرضه کالا و خدمات می‌پردازد، «بنگاه» محسوب می‌شود؛ بدین ترتیب، شرکت ایران خودرو، بانک ملی ایران، مغازه بقالی محل، دکه روزنامه فروشی سر خیابان و حتی تاکسی، بنگاه اقتصادی‌اند

زیست‌شناس‌ها در مورد وضعیت گونه‌های مختلف جانداران مطالعه می‌کنند و همان‌طور که می‌بینید، هر یک از این علوم، فضایی خاص و متفاوت با سایر علوم دارد. با این حال، اگر به همه شاخه‌های علوم دقت کنیم، شباهت‌های خاصی در روش مطالعه دانشمندان پیدا می‌کنیم.

در همه شاخه‌های علوم، دانشمندان به دنبال یافتن روابط علت و معلولی بین پدیده‌های مورد مطالعه‌اند؛ به همین منظور، به انجام مشاهدات، جمع‌آوری اطلاعات و سپس طبقه‌بندی آن‌ها می‌پردازند.

در مرحله بعد، آن‌ها برای توجیه واقعیت‌های مورد مطالعه، نظریات خود را ارائه می‌دهند و سپس با بررسی بیش‌تر، نظریات مطرح شده را ارزیابی می‌کنند و درباره رد یا قبول آن‌ها تصمیم می‌گیرند.

هر چند اقتصاددانان در مطالعات اقتصادی، امکان استفاده از ابزارهای خاص علوم تجربی مانند میکروسکوپ، تلسکوپ و نظایر آن را ندارند اما با روشی بسیار مشابه روشی که در علوم تجربی به کار گرفته می‌شود، به بررسی واقعیت‌ها می‌پردازند.

آنان نیز به دنبال کشف روابط علت و معلولی بین پدیده‌های اقتصادی عالم واقع، با جمع‌آوری مشاهدات و اطلاعات، نظریاتی را ارائه می‌کنند و سپس به ارزیابی و قبول یا رد آن‌ها می‌پردازند. پس آنان نیز با روش علمی مسائل اقتصادی را مطالعه می‌کنند.

اقتصاددانان با تکیه بر مطالعات علمی خود، توانسته‌اند ماهیت روابط علت و معلولی بین پدیده‌های اقتصادی را کشف کنند؛ به همین دلیل، امروزه می‌توان در عرصه اقتصاد برای رسیدن به هدفی خاص، سیاست‌هایی را طراحی و اجرا کرده و نتایج اجرای آن‌ها را از قبل پیش‌بینی کرد. هم‌چنین، می‌توان با پیش‌بینی برخی مشکلاتی که ممکن است در عرصه اقتصاد بروز کند، روش‌هایی را برای جلوگیری از بروز آن‌ها طراحی کرد.

این نتایج همگی، حاصل استفاده از روش‌های علمی و مدل‌های ریاضی در مطالعات اقتصادی و به اصطلاح، شکل‌گیری و تکامل علم اقتصاد است.

امروزه علم اقتصاد جایگاه رفیعی بین مجموعه علوم و معارف بشری دارد. رشته

اقتصاد در معتبرترین دانشگاه‌های جهان به عنوان یک رشته تحصیلی مهم مورد توجه است و جزء انتخاب‌های اول دانش‌آموزان نخبه و مستعد برای ورود به دانشگاه محسوب می‌شود؛ چرا که هم عمق علمی بالایی دارد و هم به دلیل نیاز مؤسسات دولتی و نیز شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی به خدمات و مطالعات اقتصاددانان، از بازار کار خوبی برخوردار است. در این دانشگاه‌ها، رشته اقتصاد با تخصص‌های گوناگون و متنوع تدریس می‌شود و آن‌ها سعی می‌کنند با تربیت کارشناسان برجسته اقتصادی، اعتبار علمی خود را در مقایسه با سایر دانشگاه‌ها افزایش بدهند.

هم‌چنین، امروزه نشریات علمی فراوان در رشته اقتصاد و گرایش‌های مختلف آن منتشر شده و مقالات علمی بی‌شماری در این عرصه نوشته می‌شود. این‌ها بدین معناست که در جهان امروز اهمیت علم اقتصاد و متخصصان این رشته روزبه‌روز بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد.

تعریف علم اقتصاد

با توجه به آن چه گفتیم، علم اقتصاد درباره چگونگی انتخاب و تصمیم‌گیری انسان در زندگی اقتصادی خویش مطالعه می‌کند. تصمیماتی که انسان در مورد مسائل اقتصادی می‌گیرد، عمدتاً ریشه در نیازها و خواسته‌های نامحدود او دارند و باید از طریق به کارگیری منابع و امکانات محدود و در دسترس عملی شوند. پس می‌توان علم اقتصاد را به صورت زیر تعریف کرد:

«علم اقتصاد علمی است که انتخاب‌های بشر را به صورت رابطه بین منابع و عوامل تولید کمیاب - که موارد استفاده مختلف دارند - و نیازهای مادی نامحدود او مطالعه کرده و با ارائه بهترین انتخاب‌ها، رفتارهای فردی و جمعی انسان را مدیریت می‌کند.»

این تعریف دقیقاً دربرگیرنده سه نکته مهم است که قبلاً درباره آن‌ها سخن گفته‌ایم. این سه نکته عبارت‌اند از: «نامحدود بودن نیازها»، «محدود بودن منابع» و «قابلیت مصارف متعدد منابع»؛ از این رو، می‌توان گفت «هدف علم اقتصاد، راهنمایی انسان برای انجام

بهترین انتخاب و به کارگیری بهترین روش جهت استفاده از منابع و امکانات خویش است.»

اهمیت اقتصاد

اقتصاد و مسائل مربوط به آن، فقط یک جنبه از زندگی انسان است و همه زندگی انسان در این ها خلاصه نمی شود. با این حال، مسائل اقتصادی در زندگی نقش مهمی دارند. بخش مهمی از تلاش انسان ها در طول زندگی، صرف تأمین معاش و ارتقای سطح زندگی مادی می شود.

در همه جوامع - چه در گذشته چه در حال - افزایش سطح رفاه و برخورداری آحاد جامعه از امکانات مادی بیش تر و بهتر، از اهداف بسیار مهم بشر است.

دین اسلام به عنوان دینی کامل، در پی سعادت واقعی و کامل انسان هاست و دنیا و آخرت را همراه با هم مورد توجه دارد^۱؛ به عبارت دیگر، با این که ارتقای معنوی انسان و خداگونه شدن او را مدنظر قرار داده است و تلاش می کند انسان را از اسیر شدن به مادیات و دل بستن به دنیا برهاند ولی بی اعتنایی به مسائل دنیوی و اقتصادی را قبول ندارد و به دست آوردن آخرت را در گرو از دست دادن و کنار گذاشتن دنیا نمی بیند. اسلام در دسترس نبودن معاش را خطری می داند که اعتقادات انسان را تهدید می کند^۲. از نظر اسلام، تلاش برای رفع فقر و رسیدن به رفاه و توانگری مادی پسندیده است و فردی که برای ارتقای سطح زندگی خانواده اش می کوشد، همانند کسی که در راه خدا جهاد می کند، شایسته تقدیر است^۳؛ بدین ترتیب، از نظر اسلام، اقتصاد در زندگی فرد اهمیت ویژه ای دارد. علاوه بر این، یکی از علل اهمیت روزافزون مسائل اقتصادی در جهان امروز، تأثیر عوامل اقتصادی بر همه جنبه های زندگی ملل - اعم از اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - است. کشوری که وضعیت اقتصادی آن نابسامان باشد و نتواند پایه پای بقیه کشورهای دنیا در مسیر پیشرفتی همه جانبه حرکت کند، بسیار آسیب پذیر شده و از نظر اجتماعی و سیاسی به بحران های

۱- ربنا اتنا فی الدنیا حسنه و فی الاخره حسنه (قرآن کریم؛ سورة بقره، آیه ۲۱)

۲- من لا معاش له، لا معاد له (بحار الانوار؛ جلد ۵، ص ۲۹۵)

۳- الکاد علی عیاله، کالمجاهد فی سبیل الله (بحار الانوار؛ جلد ۹۶، ص ۳۲۴)

گسترده دچار می‌شود. چنین جامعه‌ای نمی‌تواند با اتکا به فرهنگ ملی خود، مسیر آینده خویش را تعیین کند و به شدت تحت تأثیر فرهنگ‌های مهاجم قرار می‌گیرد؛ از این رو، اگر جامعه‌ای به دنبال حفظ استقلال سیاسی و فرهنگی خود است، باید به رشد و پیشرفت اقتصادی به مثابه یکی از مهم‌ترین ابزارها در این مسیر توجه کند.

علم اقتصاد به این دلیل، اهمیت بسیاری دارد که در عرصه مسائل اقتصادی، راه انتخاب بهتر را به انسان آموزش می‌دهد. جوامع انسانی به کمک علم اقتصاد می‌توانند برای استفاده از منابع محدود خود، روش مناسب‌تری بیابند و آن را برای دستیابی به نتیجه مطلوب به کار گیرند.

علم اقتصاد و تعالیم اسلامی

بر اساس علم اقتصاد، انسان موجودی سیری ناپذیر و دارای نیازهای نامحدود است که منابع و ثروت‌های محدود جهان را در اختیار دارد. اسلام ضمن تأکید بر قناعت و پرهیز از مصرف‌گرایی و به عبارتی، محدود کردن نیازهای انسان، نعمت‌های الهی را بی‌حد و حصر و نامحدود معرفی می‌کند^۱. بر این اساس، ممکن است چنین به نظر رسد که میان پیش فرض‌های علم اقتصاد و تعالیم اسلامی تقابلی آشکار وجود دارد ولی با اندکی تأمل می‌توان دریافت که نامحدود بودن نیازهای انسان، الزاماً به معنای مصرف‌گرایی و تأکید بر مظاهر مادی نیست. در پاره‌ای از جوامع غیراسلامی، مصرف زیاد نوعی ارزش محسوب می‌شود. در این جوامع، با توجه به سیری ناپذیری انسان و نامحدود بودن نیازهایش مصرف هر چه بیش‌تر و تأمین امکانات مادی، رفاهی و تجملی تجویز می‌شود؛ در حالی که تفکر اسلامی، رشد و تعالی فکری و روحی انسان را ارزش می‌داند؛ بدین سبب، جامعه اسلامی باید با صرف امکانات کافی در جهت رشد و تعالی انسان، اسباب پیشرفت او را فراهم سازد. برای تحقق این امر، لازم است سرمایه‌گذاری‌های عظیمی برای تأسیس نهادهای فرهنگی صورت پذیرد.

۱- «وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا» (قرآن کریم؛ سوره ابراهیم، آیه ۳۴)

همان طور که ملاحظه می شود، هدف جامعه مصرفی غیراسلامی، افزایش مصرف و رفاه زیاد و تجملات و هدف جامعه اسلامی، ارتقای سطح فرهنگی و تعالی فکری انسان است. هر دو جامعه در راه رسیدن به خواسته های خود سیری ناپذیرند؛ جامعه غیراسلامی، مصرف بیش تر و جامعه اسلامی، تعالی فکری بیش تر را می خواهد؛ از این رو، هر دو جامعه با توجه به خواسته هایشان نیازهای نامحدودی دارند و برای رفع این نیازها، به منابع و امکانات نیازمندند. همان طور که ملاحظه می شود، فرض نامحدود بودن نیازهای انسان با الگوی مصرف اسلامی لزوماً ناسازگار نیست.

از سوی دیگر، پذیرفتن فرض محدود بودن منابع در دسترس انسان با اعتقاد به بی حد و حصر بودن نعمت های الهی ناسازگار نیست؛ زیرا ممکن است پایین بودن سطح دانش فنی انسان سبب محدودیت منابع باشد. سطح پایین دانش فنی در جامعه سبب می شود که انسان نتواند نعمت های فراوان را - چنان که باید - بشناسد و از آن ها بهره برداری کند؛ در نتیجه، فقط به استفاده از قسمت ناچیزی از آن ها بسنده می کند.

هم چنین ممکن است محدودیت منابع به سبب استفاده نادرست و مصرف بیش از حد باشد؛ مثلاً، منابعی که باید در خدمت آبادانی و افزایش سطح رفاه انسان ها قرار گیرد، ممکن است صرف کشتار و جنگ افروزی شود؛ پس، محدود بودن منابع یا به این دلیل است که انسان راه استفاده از منابع را کشف نکرده است یا این که از این ثروت ها به صورت نادرست استفاده می کند؛ بنابراین، بین پیش فرض های اولیه علم اقتصاد و تعالیم اسلامی تقابلی وجود ندارد.

چند مفهوم اولیه

۱- کالا: نیازهای انسان از طریق مصرف محصولات مختلفی که تولیدکنندگان آن ها را تولید و عرضه می کنند، برطرف می شود؛ مثلاً، انسان نیاز به غذا را از طریق مصرف محصولات غذایی رفع می کند. لوازم التحریر، لباس، دارو، اسباب بازی، پارچه، انواع میوه و ... همه کالا هستند؛ به بیان دیگر، کالا عبارت از شیئی است که برای تأمین و رفع یکی از نیازهای انسان مورد استفاده قرار می گیرد. برای به دست آوردن این کالاها باید به

تولیدکنندگان یا عرضه کنندگان آن‌ها پول بپردازیم.



۲- خدمات: آن چه انسان در مقابل پول خریداری می کند و به وسیله آن نیازهایش را برطرف می سازد، فقط در اشیای فیزیکی خلاصه نمی شود؛ برای مثال، انسان به دانستن نیاز دارد و برای رفع این نیاز باید به مؤسسات آموزشی مراجعه کرده و با پرداخت پول یا مالیات، آموزش موردنیاز خود را خریداری کند. در این مثال، او کالای قابل لمسی را خریداری نکرده است اما در ازای پولی که پرداخت کرده بر دانسته های خود افزوده است. خدماتی که معلمان، پزشکان و مشاوران حقوقی ارائه می کنند نیز از این نوع است.





فعالیت ۵-۱

چند نمونه از کالاها و خدماتی را که در طول یک ماه مورد استفاده خانواده شما قرار می‌گیرد، فهرست کنید.

۳- کالاهای مصرفی و واسطه‌ای: کالاهایی که در بازار عرضه می‌شوند و به فروش می‌رسند، ممکن است توسط مصرف‌کنندگان نهایی خریداری شوند و به مصرف برسند که به آن‌ها «کالای مصرفی» می‌گوییم؛ هم‌چنین، هرگاه تولیدکنندگان دیگری برای ادامه فرآیند تولید و تبدیل آن‌ها به کالاهای مختلف دیگر، آن‌ها را خریداری کنند و مورد استفاده قرار دهند، آن‌ها را کالای واسطه‌ای می‌نامیم. برای مثال گوجه فرنگی‌ای که خانوارها تهیه می‌کنند و به مصرف می‌رسانند، «کالای مصرفی» نام دارد اما وقتی همان گوجه فرنگی توسط کارخانه‌ها خریداری می‌شود و برای تولید کالاهای دیگر مثل رب گوجه فرنگی به کار می‌رود، «کالای واسطه‌ای» نام دارد. این طبقه‌بندی در مورد خدمات نیز صدق می‌کند. البته برخی کالاهای مصرفی، خودشان مصرف نمی‌شوند بلکه در طول زمان خدمات ارائه شده از سوی آن‌ها مورد مصرف قرار می‌گیرد؛ مثل اتومبیل و یخچال در منزل؛ به این کالاها، در اقتصاد «کالای بادوام» گویند. اگر کالاهای بادوام، در فرآیند تولید و به وسیله بنگاه‌های تولیدی به کار گرفته شوند، «کالای سرمایه‌ای» نامیده می‌شوند.



۴- کالای ضروری و تجملی: کالاهای تولیدی یا برای تأمین نیازهای اولیه مصرف‌کنندگان (مانند خوراک، پوشاک و مسکن) یا برای تأمین نیازهای کم‌اهمیت‌تر آنان (مانند لوستر و فرش‌های گران‌قیمت) مصرف می‌شود. کالاهایی که نیازهای اولیه را برطرف می‌کنند، «کالاهای ضروری» و کالاهای دسته دوم، «کالاهای لوکس و تجملی» نام دارند.

۵- هزینه فرصت: وقتی منابع و امکانات در دسترس را که قابلیت مصارف متعدد دارد، به مصرف خاصی می‌رسانیم، در واقع از مصارف دیگر آن و آثار و نتایجی که می‌توانست به بار آورد، صرف‌نظر کرده‌ایم؛ مثلاً، اگر زمینی را به کشت پنبه اختصاص دادیم، عملاً از گندمی که می‌توانستیم از آن برداشت کنیم، صرف‌نظر کرده‌ایم یا اگر پولمان را به خرید لباس اختصاص دادیم، از خرید کتاب و سایر ملزومات و نفعی که از آن‌ها می‌توانستیم ببریم، محروم شده‌ایم. «هزینه فرصت» یا «هزینه فرصت از دست رفته»، بیانگر آن چیزی است که از آن صرف‌نظر کرده و به عبارتی، آن را از دست داده‌ایم. در مثال محصول پنبه، با تصمیم گرفتن به کشت پنبه از محصول گندم محروم شده‌ایم؛ یعنی، هزینه فرصت کاشت پنبه، میزان محصول گندمی است که از آن صرف‌نظر کرده‌ایم.

همین موضوع را می‌توان در قالب مثالی دیگر مورد توجه قرار داد. یک دانش‌آموز می‌تواند فرصت زمانی را که در اختیار دارد، به سینما رفتن و تماشای یک فیلم یا مطالعه و یادگیری و افزایش دانش و مهارت اختصاص دهد. اگر وی تصمیم به رفتن سینما بگیرد، در واقع فرصت افزایش مهارت و دانش را از دست داده است که آن را می‌توان به عنوان هزینه فرصت سینما رفتن در نظر گرفت.



موارد مصرف وقت خود را ذکر کرده و مهم‌ترین آن‌ها را مشخص کنید.

پرسش

- ۱- منظور از داشتن «قابلیت مصارف متعدد» منابع و امکانات چیست؟
- ۲- چرا افراد باید در میان خواسته‌های خود به انتخاب دست بزنند؟
- ۳- به نظر شما، با به‌کارگیری روش علمی چه مسائلی را در زندگی اقتصادی جامعه می‌توان پیش‌بینی کرد؟
- ۴- به نظر شما دولت چگونه می‌تواند بر فعالیت تولیدکنندگان نظارت بکند؟
- ۵- اقتصاد چیست؟ دیدگاه اسلام نسبت به اقتصاد چگونه است؟
- ۶- بین وضعیت اقتصادی و استقلال فرهنگی-سیاسی جامعه چه ارتباطی وجود دارد؟
- ۷- فرض کنید جامعه‌ای به‌جای تولید کالاهای اساسی و ضروری به تولید کالاهای لوکس و تجملی بپردازد. به نظر شما، آیا این اقدام صحیح است؟ چرا؟
- ۸- هزینه فرصت بیانگر چه چیزی است؟ این اصل چگونه در تصمیم‌گیری درست به ما کمک می‌کند؟